

جایی در دور دست

جایی برای مردها نیست

■ **ولرد گرانج**: رابطه روسیه و تاجیکستان مدت‌هاست که شکرآب شده و بعد از اینکه تاجیک‌ها یک خلبان روسی را به دلیل فرود اضطراری در کشورشان زندانی کردند، روس‌ها دیگر علاقهای به ادامه رابطه با این کشور آسیای مرکزی ندارند. عکس‌العمل پوتین و همکارانش در قبال زندانی شدن خلبان روسی، دیپورت کارگران تاجیکی از کشورشان است. اقدامی که باعث به خطر افتادن اقتصاد داخلی تاجیکستان خواهد شد. در حال حاضر در حدود ۷۰۰ هزار شهروند تاجیکی در روسیه مشغول به کار هستند که روی هم رفته بیش از ۷۴۲ میلیون دلار برای خانواده‌هایشان فرستادند. پولی که آنها برای عزیزان‌شان ارسال می‌کنند نیمی از بودجه دولت تاجیکستان را تأمین می‌کند. دره علاالدین در کوه‌های شرقی تاجیکستان واقع شده است. این منطقه از گذشته برای نویسندگان و جست‌وجوگران روسی جایی دلربا بوده و در زمان وجود اتحاد جماهیر شوروی، تبدیل به یک منطقه توریستی می‌شود. زندگی در کوهستان اهالی این دره را افرادی سخت بار آورده که برقرار کردن ارتباط با آنها اصلا کار راحتی نیست. در دره علا‌الدین شما به‌ندرت با یک مرد



رویه‌رو می‌شوید چرا که از هر خانواده حداقل یک مرد به عنوان نان‌آور راهی روسیه شده تا آنجا خرج خانواده‌اش را دربیاورد. زنان هم البته بیکار نیستند و کار مزرعه را بین خودشان تقسیم کرده‌اند. هر تابستان، حرف‌های‌ترین زنان منطقه برای نگهداری از ۳۰۰ گاؤ انتخاب می‌شوند تا آنها را به چراگاه کوهستانی ببرند. زنان چهار ماهی را در کوهستان سبری می‌کنند و از آنجایی که کسی نیست که از بچه‌ها مواظبت کند، آنها مجبورند بچه‌هایشان را هم به کوهستان ببرند. آنها شیر گاو‌ها را می‌گیرند و از آن کره و پنیر محلی درست می‌کنند. پنیر محلی آنها این خاصیت را دارد که در زمستان و هنگامی که مردم دره هیچ ارتباطی با سایر مردم ندارند، بدن آنها را در برابر سرما قوی می‌کند. ساکنان این دره به دو دلیل به روسیه می‌روند. دلیل اول که کاملاً مشخص است: پول. اما دلیل دوم کمی عجیب به نظر می‌رسد. مردم دره علا‌الدین به‌خصوص زنانش می‌خواهند بداندو که آیا در روسیه و به‌خصوص مسکو خبری از گاو هست یا نه. چون آنها نمی‌توانند زندگی بدون گاو را تصور کنند.

دنیا سال بعد تمام نمی‌شود

■ **رویتزر**: اگر جزو آن دسته از افرادی بودید که به خاطر خواندن تقویم قوم ما نگران تمام شدن دنیا در آخر سال ۲۰۱۲ بودید، خیال‌تان را راحت کنید چون به نظر می‌رسد آخر دنیا به این زودی نخواهد بود. این کارشناسانی گفته‌اند که با کندوکاو در عقاید مایاهای باستان ادعای آنها را مبنی بر اینکه در ۱۲ دسامبر سال ۲۰۱۲ عمر ۱۵۲۶ساله دنیا به پایان خواهد رسید، رد کرده‌اند. مایاها عقیده داشتند که در آن روز جنگی عظیم شکل خواهد گرفت و خدای آن‌ها برمی‌گردد. اما به تازگی کارشناسانی که به شهر باستانی مایاها در جنوب مکزیک رفته‌اند، مدعی شده‌اند منظور آنها از پایان دنیا، احتمالاً پایان یک دوره زمانی از خلقت و شروع دوره دیگری است. اریک وولاستوک یکی از استادان دانشگاه ملی مکزیک می‌گوید: «دیگر در این موضوع هیچ شکی نیست که قوم‌مایا هیچ پیشگویی‌ای در مورد پایان دنیا در سال ۲۰۱۲ نکرده و این تنها یک ادعای غلط است». موسسه ملی باستان‌شناسی مکزیک هم تا امروز بارها تلاش کرده تا ادعاهای مختلف در مورد پایان دنیا را رد کند. آنها در آخرین بیانیه خود گفته‌اند که این ادعاها به نظر حاصل برداشت اشتباه از نظر اقوام قدیم نظیر مایاها بوده است. تقویم مایایی از ۳۱۱۴ سال قبل از میلاد مسیح شروع شده و به دوره‌های زمانی ۳۹۴ساله که باکتونیک نام دارد، تقسیم

شده. برای مایاها عدد ۱۳ یک عدد مقدس است و سیزدهمین باکتونس سال آینده تمام می‌شود. اسون گرومنیر، کارشناس قوم مایا در دانشگاه لاتروب استرالیا بعد از رمزگشایی تقویم مایا به این نتیجه رسیده که منظور از عبارت پایان دنیا در اصل، انتقال از یک دوران به دوره دیگر است که در آن خدای قوم مایا هم برمی‌گردد. به گفته او از آنجایی که خدای این قوم باید در روز خلقت حاضر باشد، طبیعی است که دوباره در این دوره جدید شاهد بازگشت خدای قوم مایا باشیم. تا امروز نزدیک به ۱۵هزار نوشته تاریخی در محل امپراتوری مایاها پیدا شده که در همه آنها اثری از سال ۲۰۱۲ دیده می‌شود. آلفونسو دلانا، استاد دانشگاه مادرید می‌گوید: «مایاها نه در مورد بشریت فکر کرده بودند نه احتمال بحران جهانی و به هم خوردن قطب‌ها در نوشته‌های آنها دیده می‌شود. به نظر می‌رسد ما بی‌مورد، منشاء نگرانی‌هایمان را آنها می‌دانیم.»

لس آنجلس تایمز: «کیم اوو جون» هر هفته کاری انجام می‌دهد که برای خیلی‌ها فکر کردن در مورد آن هم سخت است چه برسد به انجام دادنش. کیم هر هفته رئیس‌جمهور کشورش را دست می‌اندازد و با او شوخی می‌کند. برنامه رادیویی کیم – که روی اینترنت قرار دارد و نامش من دروغگو هستیم، است – به تازگی داستان وال‌استریت را سوزه شوخی با رئیس‌جمهور کره‌جنوبی کرده بود. کیم در بخش اول برنامه به سبک خودش در مورد اتفاقات اخیر آمریکا صحبت کرد: «در شرایطی که معترضان آمریکایی وال‌استریت را محاصره کرده‌اند در کره‌جنوبی همه چیز آرام است. اصلا کشور ما بهشت روی زمین است و تمام این‌ها را از رئیس‌جمهورمان داریم «بعد هم نام «لی میونگ باک» رئیس‌جمهور کره با لهجه‌های متفاوتی تکرار می‌شود.

برنامه من دروغگو هستم به قدری در بین جوانان کره‌ای طرفدار دارد که آنها حتی یک لحظه از این برنامه را هم از دست نمی‌دهند. کیم ۴۲ساله سردهسته شورشیان اینترنتی کره‌جنوبی است که به هیچ مقام مسوولی در این کشور رحم نمی‌کند، چراکه عقیده دارد آنها فقط به فکر پر کردن جیب‌شان هستند. نوک پیکان انتقادات او هم به سمت رئیس‌جمهور کره‌جنوبی است آن هم در کشوری که شوخی که با مقامات مسوول چندان عرف نیست. تکنولوژی برای کره‌ای‌ها از نان شب هم واجب است و ۹۹درصد افراد زیر ۴۰ سال این کشور مشتری دایم اینترنت هستند و از هر ۱۰ نفر، چهار نفر از آخرین مدل‌های تلفن همراه استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی کیم فضای دیجیتالی را برای کارش انتخاب کرده تا بتواند پیام‌های خود را به گوش جوانان کره‌ای برساند. برنامه او تقریباً مدلی از برنامه‌های مجری‌محور آمریکایی است که در آن با زمین و زمان شوخی می‌کنند.

برنامه کیم ترکیبی از گفت‌وگو و طنز است و در آن هیچ خبری از متن از پیش نوشته شده نیست. شاید خیلی‌ها فکر کنند که کیم تمام کارهای برنامه‌اش را انجام می‌دهد اما واقعیت این است که چند نفری با او همکاری می‌کنند. از گزارشگر میدانی و تهیه‌کننده رادیویی بگیرید تا فردی که نقش مقابل کیم را در برنامه بازی می‌کند. این برنامه آنقدر محبوبیت دارد که هفته‌ای دو میلیون بار

دنیا گردی

یک برنامه رادیویی پرطرفدار در کره

دروغگوی صادق

ترجمه: رامین طبرسی



دانلود می‌شود. کارشناسان عقیده دارند کیم در انتخابات اخیر شورای شهر سنئول تاثیر خود را گذاشته، چراکه بسیاری از جوانان به جای رأی دادن به کاندیدای حزب حاکم به یک نماینده چپ‌گرا – که چندان شناخته شده نبود – رأی دادند.

کیم اوو جون طرفدار زیادی پیدا کرده به طوری‌که هر نوشته‌ای که منتسب به او باشد خیلی زود به فروش می‌رسد. البته این محبوبیت برای او هیچ مصونیتی ایجاد نکرده. نمونه‌اش اعلام جرم کیم به دلیل برنامه‌ای است که طی آن او مدعی شده بود کاندیدای مورد نظر دولت برای انتخابات شورای شهر رقم بالایی را خرج رسیدگی به پوستش کرده است. بعد از انتخابات، دولت اعلام کرد کنترل بیشتری روی اینترنت خواهد داشت. مشخص

وقتی عراق کشور توریستی می‌شود

۴۰۰کیلومتری نجف، منطقه‌ای وجود دارد که به لحاظ تاریخی قدمت زیادی دارد و حالا ایتالیایی‌ها با هماهنگی عراقی‌ها می‌خواهند کاری کنند که پای توریست‌ها به این کشور آسیایی باز شود. ورود توریست‌ها به عراق جدا از درآمدهای توریستی‌ای که برای این کشور دارد می‌تواند

نظر نمی‌رسیدند. او می‌گوید: «زندگی در کشوری که افسردگی نشانان و خام در آن صاحب قدرت شده بودند اصلا لذت‌بخش نبود». در سال ۱۹۹۸ کیم ساینی را راه انداخت که در آن سیاستمداران سوزه انواع شوخی‌ها قرار گرفته بودند. رفته‌رفته استقبال از سایت او زیاد شد. در سال ۲۰۰۲ لی – به‌عنوان رئیس یکی از ثروتمندترین شرکت‌های کره – شهردار سنئول شد، کیم سوزه خوبی برای طنزش پیدا کرده بود و بازدیدکنندگان سایت او هم از این قضیه استقبال کرده بودند.

کیم می‌گوید: «لی هیچ فلسفه مشخصی نداشت. شاید هم او در مورد یک موضوع فلسفه خاص خودش را داشته باشد و آن چیزی نیست جز پول.» سال‌ها می‌گذشت و ترفیع درجه لی در عالم سیاست برابر بود با بیشتر شدن طنزهای کیم و البته شهرتی که از این قضیه نصیبش می‌شد. در سال ۲۰۰۹ و یک‌سال بعد از انتخاب لی میونگ بانک به‌عنوان رئیس‌جمهور کره، مقامات دولتی یک ویلاگ‌نویس اقتصادی را به دلیل نقد دولت در مواجهه با بحران جهانی اقتصاد زندانی کردند. به عقیده دولتمردان جرم او تشویش اذهان عمومی بود. آنها با این کارشان بهانه خوبی دست کیم دادند تا در برنامه‌اش از روی آنها رد شود. کیم و برنامه‌اش آنقدر معروف و محبوب شده‌اند که دولت اگر بتواند جلو پخش برنامه او را بگیرد نمی‌تواند به او آسیبی بزند، چراکه با این کار خودش را سبیل حملات هواداران او خواهد کرد. کیم که گویا در این دنیا کاری جز گیر دادن به رئیس‌جمهور کره ندارد در یکی از برنامه‌هایش حسابی لی را رسوا کرد. به گفته او رئیس‌جمهور کره با استفاده از نام پسرش وارد یک معامله اقتصادی شده بود. داستان خیلی زود همه جا پخش شد و لی مجبور شد ضمن اعتراف به این موضوع معامله را به هم بزند.

کیم می‌خواهد تا روزی که لی از ریاست‌جمهوری کره کناره‌گیری کند، برنامه‌اش را ادامه دهد. جالب اینجاست که کیم جدا از برنامه‌اش زیاد درگیر رسانه دیجیتال و در کل مقوله تکنولوژی نیست. او تا امروز حتی یک‌بار هم از اس‌ام‌اس استفاده نکرده و تلفن همراهش برای سال‌ها پیش است. شاید اگر لی رئیس‌جمهور کره نبود، او اصلا سراغ رسانه نمی‌رفت.

کیم می‌گوید: «لی هیچ فلسفه مشخصی نداشت.

به نوعی باعث حفاظت بهتر از مناطق باستانی عراق شود. همکاری ایتالیا و عراق در زمینه مسایل فرهنگی به دو سال قبل برمی‌گردد و بعد از تجربه‌های موفق دو کشور در این زمینه، حالا مقامات دو کشور تصمیم گرفته‌اند تا شهر قدیمی بابل را تبدیل به مقصد جدید توریست‌ها کنند.

کبد به شرط ترک ماری جوانا



لس آنجلس تایمز: عمران اسمیت که سرطان کبد دارد سال گذشته برای پیوند کبد نامش را در فهرست انتظار یکی از بیمارستان‌ها ثبت کرد. اما اوایل امسال پزشکان نام او را از فهرست خط زدند، چراکه او از ماری‌جوانا در آنوقت استفاده می‌کند و برای همین نتوانست در آزمایش اعتیاد شرکت کند. اسمیت ۶۳ساله برای بازگشت به فهرست انتظار شش ماهی می‌شود که قید ماری‌جوانا را زده و به جای آن از داروهای معمولی استفاده می‌کند. او شیمی درمانی هم می‌کند. «وضع جالبی ندارم. متأسفانه سرطان من با عمل جراحی خوب نمی‌شود و اگر هرچه زودتر پیوند انجام نشود، آن‌وقت هرچه زودتر باید وصیت‌نامه‌ام را بنویسم.» موضوع اسمیت دوباره بحث را سر اینکه آیا افرادی که به علت مشکل کبدشان مجبور به استفاده از مواد مخدر و نوشیدنی‌های الکلی هستند، می‌توانند در فهرست انتظار قرار گیرند و اگر جواب مثبت است بدن آنها چه زمانی برای گرفتن عضو جدید باید پاک پاک باشد، بر سر زبان‌ها انداخت. به گفته پزشکان، آنجایی که نوع دارویی ماری‌جوانا هم‌جا وجود دارد خیلی‌ها که شرایطی مثل اسمیت دارند به مراکز پیوند مراجعه کرده و درخواست کبد جدید می‌کنند. استفاده از ماری‌جوانا به عنوان دارو باعث شده که پزشکان در ذهن‌شان سئوال‌های زیادی در مورد درستی استفاده از این ماده مخدر داشته باشند. مراکز پیوند، سرخود تصمیم می‌گیرند که کدام مریض صلاحیت دریافت کبد جدید را دارد. کبد جزو آن عضوهایی است که مشتریان زیادی دارد و بیش از ۱۶ هزار آمریکایی در فهرست انتظار قرار دارند. به طور متوسط هم باید ۳۰۰ روز در این فهرست بود تا به جواب رسید. دکتر گوران کلینتمالم که متخصص پیوند کبد است، می‌گوید: «باید دید که کدام بیمار بیش از دیگری به کبد احتیاج

آن‌سوی آب

ورژن مکزیک‌ی شهر ما خانه ماست

■ **آمریکا اکونومیا**: تابستان گذشته بود که یکی از شبکه‌های رادیویی مکزیکوسیتی مجبور شد یکی از مجریان خود به نام انجل وردوگو را با اطلاع ثانوی از حضور در محل کار معلق کند چرا که این مجری در یکی از برنامه‌هایش، دوچرخه‌سواران مکزیک‌ی را دست انداخته و به آنها لقب بلای جدید داده بود. او همچنین به دوچرخه‌سواران گیر داده بود که چرا آنها طوری وانمود می‌کنند که انگار در اروپا هستند در حالی‌که مکزیکوسیتی هیچ شباهتی به پاریس ندارد و قانون جنگل در آن حکفرماست. اگر این دلایل برای محکوم کردن او کافی نبوده باید به اظهار نظر عجیب او اشاره کرد که رانندگان شهرش را به زیر گرفتن دوچرخه‌سواران تشویق کرد. حرف‌های او خیلی زود با واکنش عمومی مواجه شد. از طرف دیگر، امکان برداشت سیاسی از حرف‌های وردوگو هم وجود داشت چرا که مارسلو ایرارد شهردار کنونی مکزیک‌ی بانی طرح دوچرخه‌سواری در شهرش بوده. گفته می‌شود او به دنبال ریاست‌جمهوری مکزیک است و اگر هدف مجری بیچاره از صحبت‌هایش تخریب شهردار بوده باید گفت که تیر او به سنگ خورده چرا که از آن روز به بعد دوچرخه‌سواران با انرژی و سازماندهی بیشتری وارد خیابان‌ها شدند و از طرف دیگر حمایت از ایرارد هم بیشتر از گذشته شد چرا که به عقیده دوچرخه‌سواران، نیت شهردار مکزیکوسیتی از جایگزینی سیستم حمل و نقل عمومی، خیر بوده. جنبش دوچرخه‌سواری مکزیکوسیتی با دادن امتیاز ویژه به دوچرخه‌سواران، اسکیت‌سواران و همچنین عابران پیاده شروع شد



به طوری‌که هر روزهای یکشنبه از ساعت هشت صبح تا دو بعدازظهر تعدادی از خیابان‌های اصلی شهر – که روی هم مسیری ۲۴کیلومتری را پوشش می‌دانند – به روی ماشین‌ها بسته می‌شد تا مردم با خیال راحت از این خیابان‌ها استفاده کنند. قدم بعدی اجرای برنامه‌ای به نام اکوبیسه بود که پیش از این در پاریس و بارسلونا اجرا شده بود. بر اساس این برنامه افراد می‌توانستند برای نیم‌ساعت از دوچرخه‌هایی که در ایستگاه‌های معین نصب شده استفاده کنند و آن را در ایستگاه دیگری تحویل دهند. فرد متقاضی، در ایستگاه دوم تنها باید پنج دقیقه منتظر می‌ماند تا دوباره از یک دوچرخه دیگر استفاده کند و تا ایستگاه بعدی پا بزند. روبرو رمس یکی از مسوولان سازمان ترافیک و حمل و نقل مکزیکوسیتی می‌گوید: «با اجرای این طرح در مناطق پرتراфик، مردم انگیزه پیدا می‌کنند که ماشین‌هایشان را در خانه بگذارند و با دوچرخه‌های عمومی سریع‌تر به مقصدشان برسند. یکی از دلایل موفقیت این طرح، امکان استفاده از دوچرخه برای همگان بود و مردم از هر طبقه‌ای که بودند می‌توانستند از این وسیله حمل و نقل استفاده کنند. علاقه‌مندان به این طرح برای یک‌سال تنها باید رقمی نزدیک به ۵۳۰دلار پرداخت می‌کردند و به علت زیاد بودن ایستگاه‌ها و دوچرخه‌ها آنها می‌توانستند مسافت زیادی را با دوچرخه طی کنند. مارتا دلگادو مسوول بخش محیطی شهرداری مکزیکوسیتی می‌گوید: «کار خیلی سختی برای اجرای این طرح داشتیم، چراکه مردم شهر به استفاده از دوچرخه عادت نکرده بودند. تلاش زیادی کردیم تا رانندگان به دوچرخه‌سواران احترام بگذارند و فضای بیشتری در خیابان را به آنها بدهند. با این کار ما به دنبال کاهش ترافیک و آلودگی هوا بودیم.»

مترو گران است

در مورد خط ۴ مترو مکزیکوسیتی روایت جالبی وجود دارد. اینکه رئیس‌جمهور آن زمان مکزیک – خوزه لوپز پورتیول (۱۹۷۶-۱۹۸۲) تصمیم می‌گیرد طرح ترن هوایی پاریس را در پایتخت کشورش پیاده کند. او با این کار می‌خواست مکزیکوسیتی را مدرن‌تر کند اما برنامه او چیز جالبی از کار در نیامد و امروز کسی از خط استفاده نمی‌کند. این بهترین مثال برای ضعف در برنامه‌ریزی است که مسوولان مکزیکوسیتی نمی‌خواهند دوباره آن را تکرار کنند. به گفته رمس، ساخت خط‌های جدید مترو هزینه بسیار زیادی دارد و به خط ۱۲- که به ۴۵۰هزار نفر مسافر سرویس می‌دهد – اشاره کرده که ساخت آن ۷۰ درصد بودجه حمل و نقل شهر را خالی کرد. در دهه ۵۰ مکزیکوسیتی بر اساس مدل شهر لس‌آنجلس آمریکا دچار تغییراتی شد تا کار برای ماشین‌ها آسان شود. اما این آسانی برای عابران پیاده کلاماً خطرناک بود و حالا شهرداری می‌خواهد کاری کند که اولویت با عابران و دوچرخه‌سواران باشد. اما بزرگ‌ترین چالش آنها راضی و منظم کردن رانندگان است. صاحبان ماشین‌ها خودشان را شاه خیابان‌ها می‌دانند و حتی حالا که دوچرخه‌سواران بیشتر در خیابان‌ها حضور دارند باز راننده‌ها زیاد به آنها روی خوش نشان نمی‌دهند. مقامات شهری برای اجر کردن طرح‌حسان به منافع اقتصادی آن اشاره می‌کنند. اولاً خرید ماشین از عهده هرکسی بر نمی‌آید و طبیعتاً دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی به‌صرفه‌تر است. ضمن آنکه این کار به سلامت افراد هم کمک می‌کند.